

آموزه‌های مشارکت کودکان در فرایند طراحی فضای شهری دوستدار کودک

مطالعه موردی: شهر سده لنجان

سید محسن حبیبی - استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
شهره عزتیان^۱ - دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
عنایت‌اله محقق نسب - دانشجوی دکترا شهرسازی، دانشکده شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱

چکیده

در حال حاضر حقوق کودکان و مشارکت آنان در شهرسازی جایگاه ویژه‌ای در تجربیات شهرسازی جهان پیدا کرده است. این رویکرد به کودکان اجازه می‌دهد که در برنامه‌ریزی و طراحی محیط زندگی خود اثرگذار و سهیم باشند. از آنجایی که برای ایجاد فضاهای شهری در فرایند مشارکتی توجه به نظر گروه‌های دخیل^۲ در کانون توجه قرار می‌گیرد، مناسب‌سازی فضاهای شهری برای کودکان نیز این ضرورت را ایجاد می‌کند که مراحل برنامه‌ریزی و طراحی با همکاری کودکان انجام شود. همچنین به این دلیل که نوع نگاه کودکان به شهر از موضع بزرگسالان متفاوت است، روش‌های مشارکت کودکان در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز متفاوت خواهد بود. در این مقاله که از نظر روش توصیفی-تحلیلی است، با مرور مفاهیم و فرایند مشارکت کودکان در ایجاد فضاهای شهری دوستدار کودک، الگویی برای فرایند مشارکت آنها در شهر استخراج شده و به این سؤال پاسخ داده شده که چگونه می‌توان یک الگوی مشارکتی مبتنی بر آموزش و ایجاد یک زبان مشترک با کودکان را تدوین کرد؟ و چه رابطه معناداری میان نظرات و پیشنهادهای کودکان آموزش دیده با سایر گروه‌های جانشین آنها در طراحی و برنامه‌ریزی شهر وجود دارد؟ در این پژوهش با برگزاری فراخوان‌ها و کارگاه‌های شهرسازی برای کودکان تلاش شده بستر مناسبی برای مشارکت داوطلبانه کودکان در شهر سده لنجان فراهم شود تا از این طریق بتوان نظر کودکان را به عنوان گروه دخیلان اصلی در فضاهای دوستدار کودک بررسی کرده و انگاره و پیشنهادها را با متناسب با نظر طراح تعدیل کرد که برای این منظور ۱۲۸ کودک آموزش دیدند و سپس به سئوالات پرسشنامه پاسخ دادند. نتایج پژوهش نشان داد، فرایند انجام شده در این تحقیق در جهت افزایش مشارکت پذیری کودکان و ایجاد یک زبان مشترک میان کودکان و سایر گروه‌های دخیل و طراحان کارآمد بوده و به خوبی می‌تواند در برنامه‌های مشارکتی کودکان مورد استفاده قرار گیرد. همچنین نتایج حاصل از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون پیرسون-خی دو) نشان داد، نظرات کودکان با نظرات سایر گروه‌های دخیل و همین‌طور طراحان، تفاوت‌های فاحشی دارد که لزوم بهره‌مندی از مشارکت فعالانه کودکان در برنامه‌های مشارکتی را بیش از پیش مورد تأکید قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: شهرسازی مشارکتی، مشارکت کودکان، مکان‌های شهری دوستدار کودک، سده لنجان.

۱۱۱

شماره بیست و نهم

زمستان ۱۳۹۷

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهری

طراحی فضای مشارکت کودکان در فرایند

۱. مقدمه

ایجاد فضاهای شهری دوستدار کودک با تصویب قوانین حقوق کودک و توجه به نیازهای کودکان در جهان ترویج یافته است. با پذیرفتن این اصل که فضایی که برای کودکان طراحی شود، برای تمام اقشار جامعه مناسب و قابل استفاده خواهد بود، زمینه لازم برای ایجاد فضاهای دوستدار کودک، فضاهای شهری قابل زیست و انسان محور را برای شهرها فراهم خواهد کرد. با محور قرار گرفتن حقوق شهروندی کودکان و انعکاس نظر آنها در قالب مشارکت، فرایندهای پیشنهادی برای مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری از حدود سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تاکنون در نظریه‌ها و اقدامات لینچ، هارت و دریسکل مورد توجه و استقبال قرار گرفته است (Francis, 2002).

در ایران در سال‌های اخیر مطالعات و اقدامات پراکنده پیرامون مشارکت کودکان به صورت نه چندان کارآمد در حوزه شهرسازی انجام شده است (Shieh, 2006). در اغلب موارد و در مجموعه فرایند مشارکت به نظرسنجی کودکان در قالب نقاشی بسنده شده و نظر طراحان و گروه‌های دانشجویان (مانند والدین کودکان، مدیران و معلمان مدارس) به جای نظر کودکان در طراحی مورد نظر قرار می‌گیرد و فرایند مشارکت ناظر بر فرایند اطلاع‌رسانی، آگاهی و مشارکت همکارانه از سوی کودکان نبوده است. در حالی که مشارکت کودکان با در نظر گرفتن شرایط کودکان و جایگاه واقعی آنها در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی تعیین می‌شود.

گفتمانی است که از آنجایی که کودکان ۸ تا ۱۲ ساله از نظر شخصیتی آموزش‌پذیر، متعهد، مسئولیت‌پذیر و خلاق هستند (Mahjor, 2007) و به لحاظ موقعیت اجتماعی در جایگاهی قرار دارند که می‌توانند به عنوان گروه مشارکت‌کننده فعال، طرح را همراهی کنند، این گروه سنی در این پژوهش محور مشارکت قرار گرفته‌اند. کودکان در این مقطع سنی تجارب جدیدی از حضور در فضای شهری و کشف محیط پیرامون دارند که می‌توانند در همراهی با گروه طراح نتایج جدید و کارآمدی را برای طرح پیشنهادی به ارمغان بیاورند. در این راستا مقاله حاضر می‌کوشد به هدف‌های زیر دست یابد:

۱) تدوین الگوی جدید مشارکتی کودکان با تأکید بر آموزش و ایجاد یک زبان مشترک.
۲) بررسی تفاوت نظرات و پیشنهادهاى کودکان و سایر گروه‌های دانشجویان (مانند طراحان، والدین، شهروندان و...) در طراحی و برنامه‌ریزی شهر.

همچنین این مقاله می‌کوشد تا به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

۱) چگونه می‌توان یک الگوی مشارکتی مبتنی بر آموزش و ایجاد یک زبان مشترک با کودکان را تدوین کرد؟
۲) چه رابطه معناداری میان نظرات و پیشنهادهاى کودکان آموزش دیده با سایر گروه‌های دانشجویان آنها در طراحی و برنامه‌ریزی شهر وجود دارد؟

در این مقاله تلاش می‌شود با توجه به شرایط ویژه کودکان در شهر سده لنجان از توابع استان اصفهان و کاوش در مفهوم و فرایند شهرسازی مشارکتی کودکان، الگوی کاربردی برای استفاده از

رویکرد مشارکت کودکان در شهرسازی ارائه شود و نتایج حاصل از این الگو با نتایج حاصل از نظر گروه‌های دانشجویان به جای کودکان مورد مقایسه قرار گیرد و تفاوت‌ها و لزوم بهره‌مندی از مشارکت مستقیم کودکان مشخص شود.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. مشارکت کودکان به عنوان حق مشخص آنها

حقوق کودک عبارت است از توجه به پرداختن و اعطای هر آنچه کودکان برای بالندگی سلامت روان، تعالی و در مجموع احساس خوشبختی به آن نیاز دارند (Malaki, 2009). با گسترش توجه به حقوق کودکان، مجامع بین‌المللی و کشورها تلاش کرده‌اند که جایگاهی قانونی برای رعایت حقوق این شهروندان کوچک فراهم کنند. یکی از حقوق و امتیازهایی که در پیمان نامه‌های بین‌المللی نیز در نظر گرفته شده، توجه به نظر کودکان به عنوان شهروندان کوچک در برنامه‌ریزی، طراحی و اداره محیط زندگی آنان است.

از دیدگاه هارت مشارکت کودکان یعنی ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و اظهار نظر آنها درباره احساساتشان نسبت به محیط پیرامونشان (Hart, 2002). آنان از طریق ابزار احساسات و ارائه نظراتشان درباره محیط می‌توانند نسبت به محیط اطراف خود کنترل و امنیت خاطر بیشتری داشته باشند. بنابراین ضرورت مشارکت کودکان در طراحی و برنامه‌ریزی محیط به سبب نکات زیر امری قطعی است:

۱. کودکان آیندگان جامعه شهری هستند و محیط در رشد مناسب یا نامناسب جسمی و شخصیتی آنها تأثیر بسیاری دارد.

۲. کودکان نیازها و چشم‌اندازهایی متفاوت با بزرگسالان دارند. ارائه نظرهای کودکان در گروه‌های سنی مختلف و اقشار گوناگون جامعه می‌توانند برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های شهرسازانه را متنوع و خلاقانه کنند.

۳. در فرایند مشارکت کودکان به دلیل نگاه کنجکاوانه آنها، موضوعات جدیدی مطرح می‌شود.

۴. محیطی که برای کودکان مناسب باشد، یقیناً برای بزرگسالان نیز مناسب خواهد بود.

۵. محیطی که با مشارکت و تمایلات کودکان طراحی شود، محیطی کارآمد و مؤثرتر برای آنها خواهد بود (Sutton, 2002) به همین منظور برای نظرسنجی از کودکان لازم است که درک درست و آگاهی مطلوبی نسبت به شهر برای آنان ایجاد شود تا بتوانند احساس و نظر خود را در مورد محیط پیرامون بیان کنند. همچنین حق مشارکت کودکان ایجاب می‌کند که به تمام کودکان اجازه داده شود تا در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی مشارکت داشته باشند؛ به عبارتی فرایند مشارکت باید برای همه کودکان امکان‌پذیر باشد (Ezzatian, 2016).

۲.۲. روش‌های مشارکت کودکان

از آنجایی که کودکان در سطح آگاهی و درک متفاوتی نسبت به بزرگسالان قرار دارند، ابزار ارتباط برقرار کردن با آنان نیز ظرافت‌های

خاص خود را دارد و روش‌های مشارکت آنان در فرایند طراحی منحصر به خودشان است. دیوید دریسکل در کتاب «ایجاد شهرهای بهتر با کودکان و نوجوانان» به طور تفصیلی روش‌ها و فنون مشارکت کودکان را بیان کرده است. این روش‌ها شامل مصاحبه با کودکان به صورت انفرادی و گروهی، نقاشی کشیدن، آثار دستی و کاردستی، عکس‌برداری و فیلم‌برداری به وسیله کودکان، ثبت جدول فعالیت‌های روزانه، کروکی و نقشه‌برداری از الگوی رفتار کودکان به وسیله شخص کودک و ناظر تعلیم دیده و ... است که می‌تواند در شناسایی منافع کودکان و بررسی مسائل موجود شهر راهنمای طراح باشد (Driskell, 2008). استفاده از ابزارهای کودکانانه سبب می‌شود که طراح به زبان مشترک گویایی با کودکان دست یابد و اهداف طراحانه خود را به آسانی با کودکان در میان بگذارد.

۲.۳. مراحل مشارکت کودکان

مشارکت کودکان همانند مشارکت‌های عمومی در طراحی و برنامه‌ریزی، مراحل متفاوتی دارد که در طیفی از فعالیت شبه مشارکتی تا مشارکت مؤثر و نهادینه شده تغییر می‌کند. با توجه به زمینه‌های اجتماعی-سیاسی جامعه محلی و سطح مشارکت پذیری کودکان، مشارکت می‌تواند در هر یک از عرصه‌های مشارکت تعریف شود.

مطابق با نردبان مشارکت کودکان که هارت پیشنهاد داده است (Hart, 1992) و فرانسیس-لورنزو آن را گسترش داده‌اند، مراحل مشارکت کودکان (مطابق با تصویر شماره ۱) می‌تواند از مرحله ابتدایی با عنوان دستکاری (مشارکت ظاهری) آغاز شود و با افزایش حضور فعال و واقعی کودکان در فرایند تصمیم‌گیری به مشارکت واقعی نزدیک شود.

در مرحله نخست در نوع مشارکت دستکاری، بزرگسالان از حضور کودکان برای حمایت و توجیه پروژه‌های خود استفاده می‌کنند و صرفاً وانمود می‌شود که این پروژه‌ها از نظر کودکان الهام گرفته است. اما در نوع مشارکت تزئینی-آرایشی کودکان تنها در مجموعه‌ای از اقدامات دخالت داده می‌شوند که الزاماً از اهداف آن اطلاعی ندارند؛ به عنوان مثال در طرح محله دوستدار کودک هرندی، کودکان اطلاعی از اهداف اصلی اقدامات نداشته و صرفاً در مجموعه برنامه‌ها شرکت می‌کردند و نظر می‌دادند.

در مراحل بعدی، در نوع مشارکت مساوات‌طلبی نمایشی، کودکان در مجموعه‌ای از فرایندهایی که بزرگسالان تدارک دیده‌اند، حق اظهار نظر دارند. اگرچه کودکان از اهداف پروژه مطلع هستند اما نمی‌توانند چارچوب‌ها را تغییر دهند و هیچ تأثیر و کنترلی روی فعالیت‌ها ندارند. به عنوان مثال در فرایند مشارکتی پروژه شهر دوستدار کودک بم، کودکان قادر به اصلاح ساختار انجام کار که از سوی طراحان پیش‌بینی شده بود، نبودند.

در مرحله بعدی در نوع مشارکت واگذار شده و اما مطلع، وظایف مورد نظر به کودکان محول می‌شود، به آنها گفته می‌شود که به چه دلیلی و چگونه در این فرایند مشارکت کنند. اما از نظر کودکان در تدقیق و اصلاح فرایند و مراحل اجرا و خروجی کار استفاده

نمی‌شود؛ به نوعی تخیل کودکان و کنجکاوی آنان در این مرحله سرکوب خواهد شد.

در نردبان مشارکتی، با افزایش آگاهی کودکان در مرحله مشورت و اطلاع‌رسانی، تصمیم‌گیری به عهده بزرگسالان است. به عبارتی نظر کودکان دریافت می‌شود و انتظار می‌رود که روش‌های مشارکت کودکان و بازخورد نظرات‌شان مطابق با ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی آنان باشد اما تصمیم‌گیری را بزرگسالان انجام می‌دهند و کودکان در تصمیم‌گیری همکاری ندارند. به عنوان مثال وقتی کودکان در بررسی، شناخت و تحلیل یک مکان مشارکت می‌کنند و به نوعی جمع‌آوری داده انجام می‌دهند اما در تصمیم‌گیری برای ایده‌پردازی و مرحله بعدی در اجرا نقشی ندارند و صرفاً تصمیمات گرفته شده به اطلاع آنها می‌رسد.

در مرحله ششم با درگیر کردن کودکان در تصمیم‌گیری، تصمیم‌ها در اشتراک نظر بزرگسالان و کودکان اتخاذ می‌شود. البته همچنان ابتکار عمل و رهبری فرایند به عهده بزرگسالان است. در گام بعدی با درگیر شدن همه جانبه کودکان در فرایند مشارکت، آگاهی از اهداف پروژه و فرایند آن، کودکان امکان بروز خلاقیت و ابتکار عمل پیدا می‌کنند و فرصتی مهیا می‌شود تا آنان رهبری گروه مشارکتی را بر عهده بگیرند. از آنجایی که کودکان خلاق و کنجکاو هستند، انتظار می‌رود در این نوع مشارکت با طیفی از اقدامات جدید و نو و خلاقانه روبه‌رو شوند که سابقاً تجربه نشده و نتایج جدیدی را به ارمغان بیاورد.

در مرحله پایانی حضور همکارانه کودکان با آگاهی و شناخت قبلی از آنچه قرار است انجام شود، رخ می‌دهد. در این مرحله مشارکت از انواع ابتدایی گذر کرده و به مرحله ابتکار عمل کودکان در همراهی با بزرگسالان می‌رسد. به گونه‌ای که با حضور پررنگ کودکان و کاهش دخالت‌های یک سویه بزرگسالان، ابتکار عمل و رهبری متعلق به کودکان در همراهی با بزرگسالان است و تصمیمات به صورت مشترک گرفته می‌شود. در نتیجه ایده‌های خلاقانه و متنوع آنها موضوعات شهری را به روایت دیگری بازخوانی می‌کند و باعث می‌شود برای تصمیم‌گیری‌ها راه حل‌های متفاوتی ارائه دهند. (Francis, 2002) این بستر خلاق در اشتراک همکارانه با نظرهای متخصصان بزرگسالان می‌تواند طرح‌های کارآمدتر و عملیاتی‌تر را بر بستر زمین بنشانند.

۲.۴. مشارکت نظری و عملی کودکان در ایران

در برنامه‌هایی که تاکنون به عنوان مشارکت کودکان در شهرسازی ایران انجام شده است، مفهوم مشارکت کودکان با بهره‌گیری از ابزارهایی برای نظرسنجی کودکان تحلیل و مقایسه شده و صاحب‌نظران تلاش کرده‌اند تا بستری برای انجام فعالیت‌های مشارکتی و مکانی برای حضور کودکان پیش‌بینی کنند؛ چنانچه اسماعیل شیعه در کتاب آماده‌سازی شهر برای کودکان فضاهای تفریحی در شهر را محمل مناسبی برای حضور فراگیر کودکان دانسته است. اگرچه این تحقیقات ارزشمند است و می‌تواند آموزنده باشد، اما هدف تجربه‌های عملی مشارکت کودکان در ایران تنها ارزش‌گذاری فضاها، جزئیات فضاهای قابل طراحی



تصویر شماره ۱: نردبان مشارکت کودکان (Hart, ۱۹۹۲)

۳. روش

۳.۱ روش تحقیق

این تحقیق از نوع کمی-کیفی بوده و روش تحقیق در آن تحلیل محتواست. اما برای شرح بهتر روش شناسی تحقیق ابتدا لازم است موقعیت تحقیق از منظر هستی شناسی و شناخت شناسی نیز مشخص شود. تحقیق حاضر از منظر هستی شناسی، پدیده شهر را یک پدیده عینی-ذهنی می‌انگارد. زیرا که شهر علاوه بر تمامی عینیت‌هایش، به واسطه وجود انسان و ذهن خلاق و پویای آن یک پدیده ذهنی نیز هست و می‌توان آن را به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد بررسی قرار داد. با توجه به پایگاه هستی شناسی این تحقیق که در پیوند با دو زمینه شناخت شناسی و روش شناسی، دستگاه فکری متمایز آن را مشخص می‌سازد، نظام‌های فکری نخبه گرایانه (استفاده از نظر طراح به عنوان دانای کل) و جبرگرایانه به لحاظ نظری مردود شمرده می‌شود. در همین دستگاه فکری است که لزوم مشارکت کودکان به جای طراحی نخبه گرایانه طراحان مورد توجه این تحقیق قرار گرفته است. همچنین این تحقیق از منظر شناخت شناسی، وام‌دار شناخت تفسیری شهر است. بنابراین به تبیین علت و معلولی وضعیت و مشکلات شهر نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد در یک فرایند مشارکتی فعال، از دیدگاه گروه‌های دخیل و به طور خاص کودکان، مشکلات شهر را بازنمایی کند. براساس این نگاه شناخت شناسی (شناخت تفسیری)، روش تحقیق نیز تحلیل محتوای پرسشنامه‌های باز (نه بسته) است. تحلیل محتوا، روش شناسی پژوهش از نوع تفسیری غیر سرزده^۱ به شمار می‌آید که به منظور مطالعه و تحلیل داده‌های کیفی متنی استفاده می‌شود. در تحلیل محتوا،

مانند هندسه فضا، رنگ و مصالح بوده است. مانند طرح‌های مشارکتی کودکان، در شهر دوستدار کودک بم (Kamelnia, 2009)، محله دوستدار کودک هرنندی در تهران (Sheikh Eslam, 2008) که در آن مفهوم مشارکت کودکان به نظرسنجی، ترسیم نقاشی و تنظیم جدول در جامعه آماری مشخص و از پیش انتخاب شده از سوی کودکان محدود شده است. در صورتی که می‌بایست با ایجاد فرایند فراخوان دهی و اطلاع رسانی، بستر حضور داوطلبانه کودکان در یک مشارکت واقعی فراهم شود و با آگاه‌سازی کودکان از اهداف طرح، ایده‌ها و انگاره‌های آنها در تمام مراحل به وسیله کودکان پیگیری شود.

با توجه به تجربه‌های موجود که با عنوان مشارکت کودکان در شهرسازی تلقی می‌شوند، مشخص است که فرایند مشارکت کودکان در ایران در مراحل اولیه نردبان مشارکت کودکان مانده است. در این پژوهش ابتدا با ایجاد بسترهای اجتماعی و اطلاع رسانی امکان حضور تمام کودکان برای مشارکت در ایجاد فضای شهری دوستدار کودک در شهر سده لنجان فراهم شد. سپس با آگاه‌سازی کودکان و انجام مصاحبه‌های عمیق انفرادی و گروهی، شناخت کودکان از فرایند مشارکتی کامل شده و آنها هدفمند برای طراحی یک فضای شهری مناسب‌سازی شده در مراحل نظرسنجی، ایده‌پردازی، طراحی و انتخاب بهترین گزینه‌ها برای شهر مشارکت کردند. همچنین کودکان در این فرایند آموزش دیده و مبانی درک فضایی و شناخت از شهر خود را ارتقا دادند. بر این اساس انتظار می‌رود که نتایج این فرایند تحقق مشارکت کودکان در مراحل نهایی نردبان مشارکتی جای گیرد.

پژوهشگران به محصولات ارتباطی اجتماعی که ممکن است اسناد کتبی یا شفاهی باشد، می‌پردازند (Berg, 2004) (Hsieh, 2005). همان طور که اشاره شد، در روش‌های مشارکت کودکان که سابقاً استفاده شده، روش‌ها ناقص و ناکافی بوده است. در این پژوهش روش‌های مشارکت فعال و موفق کودکان در مسائل شهری مورد توجه قرار می‌گیرد و در فرایند بازگشتی متناسب با شرایط کودکان و بستر جامعه اصلاح و بازبینی می‌شود تا بتوان یک الگوی عملی در خور فضای اجتماعی ایران پیشنهاد داده و آزمون کرد. به همین منظور قسمت انجام تحلیل محتوا به این صورت است که پس از گردآوری داده‌ها، از طریق پرسشنامه باز سه سئوالی، پاسخ‌ها کدگذاری می‌شود، سپس هر چند کد به یک مقوله دسته‌بندی شده، آنگاه میزان فراوانی تکرار هر مقوله به آن اختصاص داده می‌شود. عملیات کدگذاری تحلیل محتوا برای تمامی پرسشنامه‌های چهار گروه دخیلان (شامل طراحان، مدیران شهری، شهروندان و کودکان) انجام شده و نتایج این کدگذاری و شمارش فراوانی آنها به منظور پاسخگویی به سئوال تحقیق وارد روش‌های آماری توصیفی و استنباطی می‌شود. به منظور پاسخگویی به سئوال تحقیق که چه رابطه معناداری میان نظرات و پیشنهادها ی کودکان آموزش دیده (که فرایند مشارکتی مدنظر این تحقیق بر روی آنها اعمال شده) با سایر گروه‌های جانشین آنها در طراحی و برنامه‌ریزی شهری وجود دارد؟ از آزمون توافقی پیرسون χ^2 استفاده شده است. فرض صفر این آزمون این است که گروه‌های کودکان و سایر گروه‌هایی که به عنوان جانشین کودکان در نظر گرفته می‌شوند با یکدیگر تفاوتی نداشته و می‌توان از نظر آنها به جای نظر کودکان استفاده کرد. همچنین در صورت رد فرض صفر آزمون، مشخص می‌شود که نمی‌توان از نظر سایر گروه‌ها به جای کودکان استفاده کرد. این آزمون در تحقیق حاضر برای هر یک از گروه‌های جانشین و گروه کودکان به صورت جداگانه مورد سنجش قرار گرفته تا نشان دهد نظر کدام گروه به نظر کودکان نزدیک‌تر است و به طور کلی‌تر آیا می‌توان جانشینی را برای کودکان در نظر گرفت و از نظر آنان در فرایندهای مشارکتی به جای نظر کودکان استفاده کرد؟

۳.۲. محدوده مورد مطالعه

شهر سده لنجان، با مساحتی معادل ۲۲۳ هکتار و جمعیتی حدود ۲۰ هزار نفر در فاصله ۵۰ کیلومتری جنوب غرب اصفهان قرار گرفته است. سده لنجان از سال ۱۳۶۲ دارای شهرداری بوده اما تغییرات کالبدی- فضایی قابل توجهی در شهر به وجود نیامده و شهر ساختار روستایی خود را حفظ کرده است. عبور رودخانه در رودی شهر و استقرار دریاچه به همراه سبزی‌نگی در مجاورت آن امکانات تفریحی-گردشگری مطلوبی برای شهر فراهم کرده و منظره طبیعی زیبایی در ورودی جنوب شهر به وجود آورده است. (Gord Sichani, 2006).

در درون شهر ساخت‌وسازهای جدید مطابق با بافت کالبدی موجود به صورت سازماند شکل نگرفته و رشد قارچ گونه

ساختمان‌های ناهمگون با معماری‌های ناآشنا و تعریض معابر و نوسازی بی‌هدف خیابان‌ها نشانی از تمایل به دگرگونی در بافت کالبدی را عرضه می‌کند. از سوی دیگر بافت اجتماعی شهر متشکل از اقشار لجنجانی و بختیاری، هماهنگی مطلوبی دارد. مکان‌های مذهبی در شهر به عنوان مراکز فعالیتی نقش پررنگی در شکل‌گیری زندگی اجتماعی شهروندان ایفا می‌کنند.

اگرچه در وصف شهر سده لنجان می‌توان به توصیفات بیشتری نیز پرداخت اما جایگاه تحقیق از منظر شناخت شناسی، به شناخت تفسیری پدیده شهر متکی است و بر این اساس شناخت محدوده مورد مطالعه نیز جزئی از نتایج تحقیق به حساب می‌آید. به عبارت دیگر این تحقیق فرض می‌کند، شناخت کودکان و سایر دخیلان در محیط‌های شهری با یکدیگر متفاوت بوده و از این لحاظ درک (یا شناخت) محدوده مورد مطالعه، امکانات، پتانسیل‌ها و پیشنهادها ی گروه‌های دخیل با توجه به درک متفاوت آنها از پدیده شهر نیز متفاوت است که می‌بایست در فرایند هر برنامه شهری مورد توجه قرار گیرد.

۳.۳. ارائه یک الگوی عملی جدید برای مشارکت کودکان

تحقیقات هارت در قالب نردبان مشارکت کودکان، دریسکل در بررسی روش‌های مشارکت کودکان و فرانسیس لورنزو برای مراحل مشارکت کودکان به لحاظ نظری مباحث ارزشمندی را در خصوص مشارکت کودکان یادآور می‌شود. اما کودکان به سادگی نمی‌توانند در یک فرایند مشارکتی فعال دخیل شوند و شناخت تفسیری ایده‌ها و نظرات آنها بدون وجود یک زبان مشترک، بسیار پیچیده و البته دارای خطاهای احتمالی بی‌شمار است. بنابراین به نظر می‌رسد مراحل مشارکت کودکان باید متناسب با سطح درک کودکان از شهر بوده و روش‌های مشارکت عملی نیز مطابق با توانایی کودکان باشد تا ایجاد زبان مشترک در میان برنامه‌ریز و طراح و کودکان را تسهیل کند. در این راستا، براساس نظریه‌های اندیشمندان فوق سعی شده تا یک فرایند عملی که به ایجاد یک زبان مشترک میان طراحان و کودکان می‌انجامد، طرح‌ریزی شود و در شهر سده لنجان مورد سنجش و بررسی قرار گیرد. این فرایند که از شناخت پژوهشگر از پدیده شهر که وظیفه ساخت زبان مشترک با کودکان را دارد، شروع شده و تا مرحله استفاده از نظر کودکان در طراحی ادامه می‌یابد که شرح این گام‌ها به قرار زیر است:

گام نخست (مطالعات میدانی پژوهشگر): در مرحله نخست پژوهشگر با حضور در شهر، از طریق مشاهده، گفت‌وگو و ثبت الگوهای رفتاری، اطلاعات جامعی برای ایجاد فضاهای شهری دوستدار کودک در قالب امکانات، مشکلات و پیشنهادها اولیه کسب کرده است.

گام دوم (اطلاع‌رسانی و فراگیرسازی پژوهش): برای اطمینان از واقعی بودن بستر مشارکت باید زمینه حضور تمام کودکان علاقه‌مند به مشارکت فراهم شود. اگر فرایند مشارکت انتخابی و غیرداوطلبانه باشد، نمی‌تواند گویای نظر تمام اقشار جامعه

کودکان در شهر باشد و مفهوم درستی از شهرسازی مشارکتی را در پی نخواهد داشت. در این راستا، اطلاع‌رسانی گسترده‌ای در فضای مجازی صورت گرفت و وبسایت «کودکان سده لنجان» برای شبکه‌سازی همکارانه برای جمع متخصصان مرتبط با کودکان و نوجوانان ایجاد شد. همچنین جلسات متعددی با کانون‌های کودکان و مسئولان مرتبط برگزار گردید.

گام سوم (اطلاع‌رسانی و تعیین نمونه مطلوب از میان کودکان):

با بهره‌گیری از ابزارهای فراخوان و اطلاع‌رسانی، زمینه برای حضور فراگیر و داوطلبانه کودکان فراهم شد. از سوی دیگر از آنجایی که مشارکت با کودکان به نوعی فعالیت میان‌رشته‌ای بوده است، در این تحقیق از همکاری متخصصان روان‌شناسی کودک، نقاشی و خلاقیت کودکان بهره گرفته شد.

برای اطلاع‌رسانی پروژه عملی، فراخوان عمومی انجام گرفت. به همین منظور همایشی با موضوع «کودک خلاق» به صورت همگانی و رایگان برای مادران با همکاری شهرداری سده لنجان برگزار شد. در خلال این همایش، اطلاع‌رسانی دقیقی از فرایند مشارکتی و اهداف مورد نظر برای مادران تشریح شد و از کودکان ۸ تا ۱۲ ساله علاقه‌مند دعوت به همکاری شد.

گام چهارم (آموزش فرایند مشارکتی و ایجاد یک زبان مشترک با کودکان):

با اطلاع‌رسانی گسترده در شهر، ۱۲۸ کودک در همایش‌های پیش‌بینی شده برای ایجاد فرایند مشارکتی حضور پیدا کردند. زیرا برای پیشبرد تحقیق لازم بود کودکان این نمونه آموزش‌ها را ببینند تا بتوانند ذهنیات خود را به طور شفاف‌تری بروز داده و در فرایند مشارکتی کودکان فعال‌تر باشند. بنابراین در این تحقیق سه همایش به عنوان همایش‌های «شهر من» برگزار شد و در آنها سعی شد با ابزارها و روش‌های کودکانه همچون نقاشی،

خمیر بازی (گل بازی)، تکه چسبانی (کلاژ)، قصه نویسی و... در خصوص مشکلات شهر و پیشنهاد‌های کودکان به زبان مشترکی دست یافت.

گام پنجم (نظرسنجی از کودکان برای استفاده از نظرات آنها در طراحی):

پس از گام چهارم، کودکان می‌توانند به صورت فعال در برنامه شرکت داده شوند. بدین منظور در انتهای همایش‌ها از کودکان در خصوص مشکلات، فرصت‌ها و پیشنهادها سه سؤال در قالب پرسشنامه باز پرسیده شد و نتایج از طریق تحلیل محتوا، کدگذاری و مقوله بندی شد. نمونه‌ای از این کدگذاری در جدول زیر ارائه شده است.

یکی از نتایج مطالعات در این تحقیق، علاوه بر پیشنهاد فرایند الگوی مشارکت پیشنهادی، ارائه ایده‌ها و انگاره‌های کودکان برای ایجاد فضای شهری دوستدار کودک بوده است. به همین منظور نتایج پیشنهادها و نظرات کودکان در همایش‌ها در قالب جدول شماره ۱ جمع‌بندی شده است. از آنجایی که در مطالعات تحلیل محتوای کیفی ضرورت دارد که موضوعات به لحاظ قرابت دسته‌بندی شوند، نمونه آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است. در این جدول موضوعات پیشنهادی دسته‌بندی و سپس مقوله‌بندی شده‌اند تا بتوان میزان فراوانی و تمایل کودکان در پاسخ‌دهی به مسائل را مورد مقایسه و آزمون کمی قرارداد.

گام ششم (طراحی با استفاده از نظرات مطرح شده در گام پنجم):

پس از آن که نظرات کودکان در قالب فرایند تحلیل محتوا تفسیر شد، می‌توان از آنها در مرحله طراحی برنامه استفاده کرد (گفتنی است که هدف این تحقیق تدوین الگوی مشارکتی کودکان و لزوم استفاده از نظرات مستقیم آنهاست و طراحی مشارکتی که محصول این فرایند است، مورد نظر این تحقیق نیست).

جدول شماره ۱: نمونه کدگذاری و مقوله‌بندی پرسشنامه باز کودکان

کد مقوله	مقوله بندی	کدگذاری	گویه	حیطه کلی سؤال
A2	عناصر طبیعی مانند رودخانه و پارک کوهستانی، صحرا و مزارع	عناصر طبیعی	وجود رودخانه و سبزیگی در مجاورت آن در نقاشی‌ها	امکانات
		عناصر انسان ساخت	کشاورزان در مزارع مشغول کار هستند. کودکان در پارک بازی می‌کنند و اسباب بازی‌های پارک زیبا است.	
A3	حضور فعال کودکان در فضاهای فرهنگی-مذهبی	حضور کودکان در مساجد	کودکان در برنامه‌های مذهبی و نماز جماعت شرکت می‌کنند.	
		فعالیت کودکان در فرهنگسراها	کودکان مسئولیت کتابخانه را در فرهنگسرا به عهده دارند.	
B2	انباشت زباله و جوی‌های کثیف	انباشت زباله	توی خرابه‌ها پر از آشغال است. مأموران شهرداری برای جمع‌آوری زباله کوچه مانمی‌آیند. گربه کیسه آشغال را پاره می‌کند.	مشکلات
		جوی‌های کثیف	توی جوی‌ها اشغال زیادی هست.	
C3	ساخت متنوع بناها متناسب با علاقه و نظر کودکان	خانه‌های عروسکی	خانه‌ها به صورت قارچی طراحی شود.	پیشنهادها
		رنگ آمیزی متنوع و شاد	نمای ساختمان‌ها مانند بستنی و حیوانات کارتون‌ی باشد.	

گام هفتم (الگوسازی فرایند): برای آن که پژوهش انجام شده و شیوه به کار گرفته شده در آن بتواند به وسیله سایر محققان پیگیری و یا نقد و بررسی شود، لازم است تمامی اقدامات انجام شده در قالب یک گزارش در دسترس باشد. بنابراین گزارش عملکرد اقدامات به مدیریت شهری ارائه شد که با توجه به نقش و جایگاه مدیریت شهری، کودکان و دخیلان، الگوی پیشنهادی مشارکت برای شهرداری تشریح شد و پیشنهاد طرح شهر دوستدار کودک سده لنجان برای تنظیم سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ شهر به تصویب رسید (Ezzatian, ۲۰۱۳).

۴. بحث و یافته‌ها

۴.۱. تحلیل داده‌ها

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در برنامه‌های مشارکتی کودکان که تاکنون تهیه شده، به علت نبودن شرایط مناسب و زبان مشترک، معمولاً مشارکت کودکان به کمترین درجه تقلیل داده شده و از نظر سایر گروه‌ها به جای نظرات مستقیم کودکان استفاده می‌شده است. با انجام فرایند مشارکتی این تحقیق (مطابق با گام‌های فوق) که به آموزش ۱۲۸ کودک ۸ تا ۱۲ ساله انجامید، این زبان مشترک حاصل شد و شرایط و امکان بهره‌گیری از نظرات کودکان میسر شده است. حال در راستای اثبات لزوم فرایند یاد شده که مشارکت مستقیم و فعال کودکان در طراحی فضاهای دوستدار کودک را به همراه دارد، سه گروه دخیل دیگر که معمولاً از نظرات آنها به جای نظر مستقیم کودکان استفاده می‌شده است، در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که آیا فرایند مشارکتی کودکان که پیشتر با دخالت گروه‌های جایگزین به جای نظر مستقیم کودکان صورت می‌پذیرفته است، مورد تایید است و یا فرایند مشارکتی کودکان (همان‌طور که در فرایند مشارکتی این تحقیق مورد توجه بوده است) الزاماً باید با بهره‌گیری مستقیم

از نظر خود کودکان باشد.

در این راستا نظرات سه گروه (۱) طراحان و برنامه‌ریزان شهری، (۲) شهروندان، ساکنان و فعالان کانون‌های فرهنگی و (۳) مدیران مدارس و مدیران مجموعه‌های مذهبی در قالب همان پرسشنامه‌هایی که به کودکان داده شده بود، مورد سنجش قرار گرفت (پرسشنامه‌ها، یکسان و حاوی همان سه سؤال کلی در خصوص مشکلات، فرصت‌ها و پیشنهادها در خصوص فضاهای شهری دوستدار کودک بود که پس از همایش‌های آموزشی «شهر من» به کودکان نیز داده شده بود).

نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده و به طور داوطلبانه از گروه نخست شامل ۱۰ طراح و برنامه‌ریز شهری، گروه دوم شامل ۳۰ نفر از ساکنان، گروه سوم شامل ۲۶ نفر از مدیران بود که این افراد با گروه کودکان شامل ۱۲۸ کودک ۸ تا ۱۲ ساله که قبل از اقدام به پرکردن پرسشنامه‌ها، در همایش‌های مشارکتی آموزش دیده‌اند، مورد مقایسه قرار گرفتند.

نتایج نظرات هر چهار گروه از طریق فرایند تحلیل محتوا، بررسی و کدگذاری شد و در نهایت مقوله‌بندی مطابق با جدول شماره ۲ که تمامی نظرات مطرح شده به وسیله هر چهار گروه را پوشش می‌دهد، به دست آمد.

۴.۲. یافته‌های تحقیق

پس از آن که پرسشنامه‌های باز گروه‌های دخیل از طریق فرایند تحلیل محتوا به مقوله‌های مشخصی تقلیل داده شد و فراوانی اشاره به هر یک از مقولات مشخص شد، داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شده و از آن برای تحلیل‌های کمی و معناداری روابط میان نظرات گروه‌ها از طریق آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. بر این اساس نتایج آمار توصیفی حاصل از تحلیل پرسشنامه‌های گروه‌های دخیل به قرار جدول شماره ۳ است.

جدول شماره ۲: مقوله‌بندی پاسخ‌های پرسشنامه‌های باز دخیلان برنامه طراحی فضاهای شهری دوستدار کودک

موضوعات	کد مقوله	مقوله
امکانات	A1	چشم‌انداز زیبا و منحصر به فرد شهر
	A2	عناصر طبیعی مانند رودخانه و پارک کوهستانی، صحرا و مزارع
	A3	حضور فعال کودکان در فضاهای فرهنگی مذهبی
	A4	وجود مراکز مذهبی و آموزشی در شهر مانند دانشگاه، کتابخانه و مساجد
	A5	فضای بازی و سالن ورزشی
مشکلات	B1	نازیبایی و زشتی در بدنه خیابان
	B2	انباشت زباله و جوی‌های کثیف
	B3	کمبود مرکز بهداشت و درمانی
	B4	فقدان فضای تفریحی-ورزشی به ویژه برای کودکان
	B5	عدم ایمنی و فقدان حمل و نقل عمومی کارآمد
پیشنهادها	C1	ایجاد فضای بازی و تفریحی برای کودکان: استخر و سینما، باغ وحش
	C2	رنگ آمیزی بدنه‌ها و زیباسازی محله‌ها
	C3	ساخت متنوع بناها متناسب با علاقه و نظر کودکان
	C4	تأسیس کانون پرورش فکری کودکان
	C5	تأمین مراکز تخصصی درمانی و پزشکی
	C6	تأمین آب آشامیدنی

جدول شماره ۲: نتایج مشارکت گروه‌های دخیل و درصد فراوانی اشاره به هر یک از مقولات

موضوعات	کد مقوله	طراحان شهری (درصد فراوانی)	ساکنان (درصد فراوانی)	مدیران (درصد فراوانی)	کودکان (درصد فراوانی)	جمع بندی سه گروه (درصد مجموع درصدهای فراوانی)
امکانات	A1	۳۰	-	۳۵	۲۵	۲۰
	A2	۳۰	۴۰	۲۲	۲۸	۳۰
	A3	۲۰	۳۵	-	۲۲	۱۹
	A4	۱۰	۲۵	۲۸	۲۵	۲۶
	A5	۱۰	-	۱۵	-	۵
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
مشکلات	B1	۳۰	۳۱	-	۳۹	۲۳/۳
	B2	۲۰	۲۹	۲۵	۲۰	۲۴/۶
	B3	۲۰	۲۰	۲۰	-	۱۳/۲۶
	B4	۲۰	۲۵	۳۷	۲۸	۳۰
	B5	۱۰	-	۱۸	۱۳	۱۰
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
پیشنهادها	C1	۳۰	۳۲	۳۵	۲۲	۲۹/۶
	C2	۲۰	-	۲۵	۲۴	۱۶/۳
	C3	۲۰	-	-	۳۶	۱۲
	C4	۱۰	۲۸	۳۰	۱۸	۲۵/۳
	C5	۱۰	۱۸	۱۰	-	۹/۵
	C6	۱۰	۲۲	-	-	۷/۳
	جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

با توجه به فراوانی داده‌ها در پرسشنامه گروه کودکان، مشخص شد که از نظر کودکان چشم‌انداز طبیعی در بستر رودخانه و وجود عناصر طبیعی اولویت نخست امکانات شهر بوده و در اولویت بعدی حضور پررنگ کودکان در فضاهای شهری و مراکز فرهنگی مذهبی مورد توجه قرار گرفته است. اما مدیران صرفاً به وجود مراکز مذهبی و آموزشی اشاره کرده و حضور فعال کودکان را نادیده گرفته‌اند. این در حالی است که طراحان نیز با حرکت در فضای شهری و حضور در مراکز مذهبی، فعالیت کودکان در برنامه‌های مذهبی و فرهنگی را رصد کرده‌اند.

در بررسی مشکلات شهر آشفتنگی در منظر شهری، کیفی در بدنه وزشتی و نازیبایی بیش از هر موضوعی از نظر هر سه گروه ساکنان، کودکان و طراحان اهمیت داشته و عدم رضایت کودکان را ایجاد کرده است. در حالی که مدیران فقدان فضاهای تفریحی و ورزشی را در اولویت نخست اشاره کرده‌اند. این موضوع حاکی از برنامه‌ریزی مدیران برای تأمین کمیت کاربری‌های شهری است، در حالی که مدیران از توجه به کیفیت در فضای شهری و مکان‌هایی که کودکان و شهروندان روزمره از آن استفاده می‌کنند، غافل مانده‌اند. همچنین در پیشنهادهای ساکنان و مدیران و طراحان، ایجاد فضاهای تفریحی مانند استخر، باغ وحش و فضای بازی در اولویت نخست مطرح شده است. اما کودکان در ابتدا تمایل داشته‌اند که شهر را مطابق با سلیقه خود بسازند، به همین دلیل در اولویت نخست پیشنهاد ایجاد فضاهای شهری متأثر از برنامه‌ها و شخصیت‌های کارتونی را مطرح کرده‌اند. کودکان علاقه‌مند هستند که تصاویر زیبای کارتونی را در فضاهای شهری نیز دنبال کنند و این تفاوت نگاه گروه‌های دخیل به ویژه طراحان با کودکان را به صورت فاحش از منظر آمار توصیفی مشخص می‌کند.

با این حال اگرچه تحلیل آمار توصیفی و فراوانی داده‌ها می‌تواند مؤید این موضوع باشد که نمی‌توان از نظر سایر گروه‌های دخیل به جای نظرات کودکان استفاده کرد، اما به منظور پاسخگویی به سؤال تحقیق که چه رابطه معناداری میان نظرات کودکان و گروه‌های جانشین (سایر دخیلان) آنان وجود دارد، از آزمون توافقی پیرسونی-دو استفاده شده است. فرض صفر این آزمون این است که گروه کودکان و سایر گروه‌هایی که به عنوان جانشین کودکان در نظر گرفته می‌شوند با یکدیگر تفاوتی نداشته و می‌توان از نظرات آنها به جای نظر کودکان استفاده کرد. همچنین در صورت رد فرض صفر آزمون، مشخص می‌شود که نمی‌توان از نظر سایر گروه‌ها به جای کودکان استفاده کرد. این آزمون در تحقیق حاضر برای هر یک گروه‌های جانشین و گروه کودکان به صورت جداگانه مورد سنجش قرار گرفته و نتایج آن مطابق جدول ۴ ارائه می‌شود.

بنابر جدول شماره ۴، در فاصله اطمینان ۹۹ درصد پاسخ‌های سایر گروه‌ها با گروه کودکان متفاوت بوده و به طور معناداری نمی‌توان از نظر هیچ یک از گروه‌های طراحان و برنامه‌ریزان، ساکنان و مدیران مدارس به جای نظر کودکان استفاده کرد. بنابراین این آزمون بر لزوم مشارکت فعال بیش از پیش کودکان در برنامه‌هایی که دخیل در آن به حساب می‌آیند، تأکید دارد و نشان می‌دهد کودکان حتی نظرات متفاوتی را نسبت به والدین، معلمان و مدیران مدارس و همچنین طراحان شهری نسبت به سه مقوله مشکلات شهر، امکانات و پیشنهادهای داشته‌اند و یک فرایند مشارکتی طراحی فضاهای دوستدار کودک زمانی می‌تواند موفق بوده و در راستای نظرات کودکان گام بردارد که به طور مستقیم و فعال از کودکان در تمامی مراحل طراحی فضا استفاده کند.

جدول شماره ۴: معناداری آزمون پیرسون خی-دو نظرات کودکان با دیگر گروه‌های جانشین با دخیل

گروه‌های دخیل	طراحان و برنامه‌ریزان شهری	ساکنان	مدیران
نتیجه تحلیل معناداری آزمون	رد فرض صفر آزمون	رد فرض صفر آزمون	رد فرض صفر آزمون
	۰,۰۰۰sig=	۰,۰۰۰sig=	۰,۰۰۰sig=

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش مورد نظر با هدف الگوسازی فرایند عملی مشارکت کودکان برای طراحی فضای شهری دوستدار کودک با تأکید بر مشارکت گروه‌های دخیل به ویژه کودکان انجام شده است. اگرچه مباحث نظری پژوهش با در نظر گرفتن شاخص‌های اصلی مشارکت، متکی بر اصول و معیارهای تحقق یافته در تجارب نظری و عملی جهانی است، اما به سبب حضور گروه راهبردی و متخصصان کودک در گروه میانجی و تسهیل‌گری، فرایند مشارکتی متناسب با وضعیت کودکان شهر سده لنجان بومی‌سازی شده و در مسیر تصمیم‌گیری در بستر گفت‌وگو با گروه‌های دخیل در متناسب‌ترین سطح مشارکت کودکان با وضعیت اجتماعی آنها تحقق یافته است (Ezzatian, 2016)

به همین منظور در فرایند تصمیم‌گیری همکارانه با ایجاد بستر مشارکتی تعاملی، مباحثه‌ای و همه‌شمول در شهر سده لنجان، زمینه برای حضور گروه دخیلان به ویژه کودکان در گروه طراحی به صورت داوطلبانه فراهم شد و با بهره‌گیری از انواع ابزارهای جمع‌آوری داده و تحلیل اطلاعات در مطالعات میدانی نظر کودکان، آرزوها، ایده‌ها و انگاره‌های طراحی آنان گردآوری و تحلیل شده و به زبان طراحی شهری ترجمه شده است.

نتایج این پژوهش نشان داد، در راستای ایجاد یک مدل عملی مشارکت با کودکان می‌بایست هفت گام مورد نظر قرار گیرد. گام نخست: مطالعات میدانی پژوهشگر، گام دوم: اطلاع‌رسانی و فراگیرسازی پژوهش، گام سوم: اطلاع‌رسانی و تعیین نمونه مطلوب از میان کودکان، گام چهارم: آموزش فرایند مشارکتی و ایجاد یک زبان مشترک با کودکان، گام پنجم: نظرسنجی از کودکان برای استفاده از نظرات آنها در طراحی، گام ششم: طراحی با استفاده از نظرات مطرح شده در گام پنجم و گام هفتم: الگوسازی فرایند.

انجام فرایند عملی مشارکتی فعال کودکان و همچنین بررسی نظرات گروه‌های مختلف جامعه در خصوص فضاهای شهری دوستدار کودک که مورد توجه این تحقیق بوده، نشان داد: نخست کودکان ۸ تا ۱۲ ساله شهر سده لنجان سطح آگاهی و اطلاعات بالایی دارند و به خوبی توانسته‌اند در بررسی محیط، به زبان مشترک قابل قبولی با طراح دست یابند. استفاده از واژه‌هایی مانند چشم‌انداز زیبای شهر، کیفیت محیطی، فضا سازی، زیبا سازی، محوطه‌آرایی و چیدمان مبلمان با کاربرد درست کلمه در ادبیات کودکان گویای این مطلب است.

دوم، برای تقویت ایجاد زبان مشترک با کودکان باید از ابزارهای کودکانه و منحصر به گروه سنی مورد نظر (۸ تا ۱۲ ساله) در گروه مشارکتی بهره گرفته شود. ابزارهایی که به صورت منعطف امکان ساختن و نشان دادن هدف کودکان را فراهم می‌کند، بهترین

وسيله برای دریافت انگاره‌های کودکان است. برگزاری همایش‌ها، کارگاه‌های شهرسازی و ایجاد بستری برای گفت‌وگوی تعاملی کودکان با گروه طراحان می‌تواند به ارتقای دانش فنی و آگاهی کودکان از اهداف یک فرایند مشارکتی کمک کند و از این طریق با توانمندسازی آنان و دریافت بازخورد نظر آنان از طریق استخراج انگاره‌ها، برنامه‌ریزی شود. زیرا هدف فرایند صرفاً درگیرکردن کودکان با موضوعات غیر قابل فهم برای آنها نیست. همچنین برای اطمینان از صحت مشارکت چارچوب مشارکتی باید در فرایندی فراگیر و همه‌شمول در شهر اجرا شود. در این چارچوب می‌توان از ابزارهای اطلاع‌رسانی و فراخوان برای گسترش دامنه مشارکت در شهر بهره گرفت.

سوم از آنجایی که در شهر سده لنجان کودکان در فعالیت‌های اجتماعی و مکان‌های عمومی حضور دارند و به صورت ناظر پیاده و فعال زندگی شهروندی را تجربه می‌کنند، درک خوبی از فضای شهری به دست آورده‌اند. این درک همه‌شمول و فراگیر کودکان در موضوعات مختلف شهری باعث ارائه تحلیل‌های دقیق آنان از شهر شده است. به همین سبب این کودکان می‌توانند در آینده به عنوان نیروی فعال و خلاق در گروه طراحی برای شکل‌دهی انگاره‌ها و طرح‌های شهری با برنامه‌ریز و طراح همکاری کنند.

از طرفی طراحان و برنامه‌ریزان همواره متناسب با آموخته‌های خود و با بهره‌گیری از معیارها و ضوابط، برنامه‌ریزی و طراحی برای محیط را انجام می‌دهند. حتی مطالعات و تحلیل کارشناسان نیز برگرفته از تجربه‌های حرفه‌ای‌شان است، در حالی که مورد توجه قرار دادن نظر گروه‌های دخیل در این پژوهش نشان داده است که همواره این استانداردها در هر مکانی قابل اجرا نیست. به صورت ویژه کودکان متفاوت از دیگر اقشار دخیل، با تمایل به وارد کردن دنیای کودکان خود به فضای شهری، طراح را از تلاش برای شکل‌دهی فضای رسمی و کاملاً برنامه‌ریزی شده خارج کرده و با انگاره‌های برگرفته از دنیای خیالی، فضایی غیررسمی، صمیمی و متناسب با روحیه شاداب خود، پیشنهاد داده‌اند؛ اگرچه امکان دارد پیشنهادها کودکان در گام نخست تخیلی و غیرکاربردی باشد. این وظیفه طراح است که انگاره‌ها و الگوهای پیشنهادی آنان را متناسب با بستر واقعی طرح بیوراند و پیشنهادی اجرایی- عملیاتی ارائه دهد.

در پایان نتایج تحلیل داده‌ها مشخص کرد که آنچه گروه طراح با حضور در شهر، گفت‌وگو و مشاهده برای بررسی امکانات، مشکلات و اولویت‌های طراحی در شهر دست یافت با آنچه در واقعیت زندگی کودکان در شهر وجود دارد، متفاوت بوده است که این تفاوت ناشی از درک متفاوت کودکان از فضاها و نیازهای منحصر به خودشان است. همچنین مدیران شهری، والدین و ساکنان و سایر گروه‌های جامعه نیز نتوانستند جانشین خوبی برای گروه کودکان باشند و

Friendly District. No 12. Region 12. Tehran, municipalities. First phase. Tehran. [In Persian].

- Shieh, E. (2006). Responsive Urban Environment for Children. Shahr Pulication. Tehran. [In Persian].
- Sutton, S. E. a. S. P. K. (2002). Children as partners in neighborhood place making: lessons from intergenerational design charrettes University of Washington, Journal of Environmental Psychology, 22, 171-189.

نظر آنها نیز با نظر کودکان تفاوت‌های فاحشی داشت که این امر بیش از هر چیزی به تأکید بر فرایندهای مشارکتی که نظر مستقیم کودکان را در طراحی فضاهای شهری دوستدار کودک مورد توجه قرار می‌دهد، اشاره دارد.

با توجه به نتایج قابل قبولی که از فرایند مشارکت کودکان در شهر سده لنجان حاصل شده، می‌توان ساختار عملی آزمایش شده را به عنوان الگوی پیشنهادی برای پیشبرد فرایند مشارکت کودکان در ایجاد فضاهای شهری دوستدار کودک در مطالعات آتی به کار برد و در تحقیق‌های بعدی مورد آزمون قرار داد.

References:

- Berg, B. L. (2004). Qualitative research methods for the social science, fifth edition. California state university(long beach).
- Driskell, D. (2008). Creating Better Cities with Children and Youth: A Manual for Participation. Diba Publication, 76-78. [In Persian].
- Ezzatian, S. (2013). Making Suitable the Urban Space for Children in City, Emphasized in Children Participation in Planning and Designing Process. Master thesis. Planning Department. Fine Art Group. Tehran University, 81-87. [In Persian].
- Ezzatian, S. (2016). Designing the Child Friendly City. Arkan Danesh Publication, 14. [In Persian].
- Francis, M. A. R. L. (2002). Seven realms of children's participation. Journal of Environmental Psychology, 22, 157-169.
- Gord Sichani, A. a. Z. A. (2006). Action Plan of Sedelenjan City. Designing office of municipalities in Esfahan, 30-35. [In Persian].
- Hart, R. (1992). Children's Participation: From Tokenism to Citizenship. UNICEF International Child Development Centre. , Florence., 7.
- Hart, R. (2002). Containing children: some lessons on planning for play from New York City. Environment and Urbanization, 14, 135-148.
- Hsieh, H., Shannon, Sarah E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. Qualitative health research, 15(9), 1277-1288.
- Kamelnia, H. a. S. H. (2009). The Pattern of Designing the Green Space in Child Friendly City. Bagh e Nazar Journal, 12, 77-88. [In Persian].
- Mahjor, S. r. (2007). Psychology of play. Tehran: Susan publication.22. [In Persian].
- Malaki, H. (2009). Introduce of children's right. Aeezh publication, 22. [In Persian].
- Sheikh Eslam, R. (2008). the Report of Child

